

# همراه با سید جامگان

سید علی قاضی عسکر



دیار وحی شوم زمان موعود فرا رسید و به اتفاق خانواده به فرودگاه آمدم. زنان و مردان عازم حج امیدوار به فضل خداوند، مشتاقانه به طرف در ورودی فرودگاه در حرکت بودند.

جمعیت انبوهی نیز برای بدرقه حاجیان آمده بودند. چند قدم آنطرف تر جمعی را دیدم که مسافرانشان پیشاپیش آنان در حرکت بودند و پیر مردی نورانی چهره و خوش سیما، به رسم گذشته، پیشاپیش آنان چاوشی می کرد. و خانم فیلمبرداری، از این صحنه خاطره انگیز و به یادماندنی فیلم می گرفت. به یاد روایت امام صادق -ع- افتادم که به نقل از رسول خدا -ص- فرموده است: «مسلمانی که قصد مسافرت

بار دیگر ندای روح نواز و دلنشیں «وَأَذْنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجَّ يَأْتُوكَ رَجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجَّ عَمِيقٍ»<sup>۱</sup> در فضای ملکوتی جمهوری اسلامی طنین افکن شد، دل ها به تپش افتاد واشک از دیدگان مشتاقان سرازیر شد. از این میان، من نیز که خاضعانه و ملتمنسانه، در شب های ماه مبارک رمضان با عشق و شوری خاص از خداوند حج طلب کرده، دعای «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ» را خوانده بودم، سرانجام آن را اجابت شده یافتم.

اطلاع دادند که قرار است ساعت ۴ و ۱۵ دقیقه بعد از ظهر روز یکشنبه ۷۵/۱/۱۹ از فرودگاه مهرآباد تهران راهی

هم بطلبد، دیگری می گفت: مریض دارم  
دعا کنید خدا شفایش دهد و ... در آخرین  
لحظات، جوانی نزدم آمد و پرسید: شما عازم  
حج هستید؟ گفتم: آری: گفت: مریضی دارم  
دعا کنید خداوند شفایش دهد. این را که  
گفت اشک در چشمانش حلقه زد. از رنگ و  
رویش فهمیدم خودش را می گوید. خدا  
حافظی کرد و رفت.

همسر، فرزندان و مادرم تا فرودگاه  
به بدرقه ام آمده بودند، چون وقت پرواز  
هواییما نزدیک بود، با آنها خدا حافظی کرده  
داخل سالن رفتم. مأموران انتظامی از ورود  
افراد بدون بلیط جلوگیری می کردند، لیکن  
افراد زرنگی هم بودند که با استفاده از  
شیوه های مختلف، به سالن انتظار آمده  
بودند. بلیط را نشان دادم و وارد سالن شدم.  
جمع قابل توجهی از همسفران را دیدم که  
پیش از من آمده اند، تعدادی مراحل بازرسی  
را پشت سر گذاشته، داخل سالن انتظار رفته  
بودند، گروهی نیز منتظر مراحل بازرسی  
هستند. برگه ای به دستم دادند که در آن،  
درباره میزان خروج ارز از کشور، مقررات  
خروج و ورود کالاهای همراه مسافر،  
تذکراتی چند به حاجیان داده شده بود؛ از  
جمله تذکرات این بود که هر مسافر می تواند  
۷۰۰ دلار ارز همراه خود از کشور خارج کند!

دارد، لازم است برادران دینی خود را از قصد  
خویش آگاه سازد.»<sup>۲</sup>

**همچنین مستحب است مسافر**  
توسط دوستان و بستگان خویش بدرقه  
شود. پیامبر - ص - هر گاه به بدرقه مسافر  
مؤمنی می آمد با آنان خدا حافظی کرده  
می فرمود:

«خداوند بر تقوای شما بیفزاید. به  
سوی هر خیری راهنماییتان باشد. حاجاتتان  
را برآورد. دین و دنیایتان را محفوظ بدارد و  
شما را صحیح و سالم به وطن خویش باز  
گرداند.»<sup>۳</sup>

از ثمرات شیرین این خبر دهی به  
دوستان و آشنايان آن است که گرفتاران و  
 حاجتمندان و مشتاقان این سفر معنوی و  
الهی، دل شکسته و گریان و با دنیابی امید،  
خود را در فضای ملکوتی حرمین شریفین  
احساس می کنند و تماس دعا می گویند و با  
عزّت و احترام زائر دیار نور را بدرقه می کنند.  
برای عمل به این دستور اخلاقی  
اسلام، من نیز به وسیله تلفن و گاهی  
حضوری با دوستان و بستگان تماس گرفته  
با آنان خدا حافظی کردم. همه تماس دعا  
می گفتند. صدای لرزان برخی از آنان در  
پشت تلفن نشان از دیدگان اشکبارشان  
داشت. یکی می گفت: از خدا بخواهید ما را

زمرة منتظران واقعی آن امام همام درآیند. خواسته خوب، به جا و ارزشمندی بود. سالن انتظار فرودگاه، با عکس‌ها و تابلوهای زیبای مربوط به حج تزیین شده بود و یک دستگاه تلویزیون با استفاده از فیلم‌های ویدئویی، برنامه‌های جالب و جذابی پخش می‌کرد. تا چند سال گذشته از این گونه برنامه‌ها خبری نبود، لیکن خوشبختانه با فعال شدن بعضه مقام معظم رهبری و سازمان حج و زیارت و با استفاده از کارشناسان و همکاری صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌های خوب و جالبی تهییه و همه ساله به نمایش گذاشته می‌شود تا حاجیان با دیدن آنها، راههای بهره‌وری بیشتر از این سفر معنوی و الهی را آموزش بینند.

اصولاً حاجی نیازمند آموزش و توجیه لازم قبل از سفر حج است؛ چرا که این سفر با دیگر سفرها تفاوت اساسی دارد. در روایات به ما آموخته‌اند حاجی از آن زمان که تصمیم به انجام حج می‌گیرد باید با آداب و شیوه رفتاری خاصی حرکت کند. ابتدا نیت خویش را خالص کرده، فقط برای خدا و با انگیزه‌الهی در این راه قدم بردارد.

پیامبر - ص - در یک تقسیم‌بندی تنبه‌آفرینی، در حجۃ‌الوداع، حاجیان خانه

در حالی که یک روز پیش از آن رادیو با قرائت اطلاعیه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده بود که هر زائر فقط ۱۵۰۰ ریال سعودی و دو هزار تومان ایرانی می‌تواند همراه ببرد و از خروج بیش از آن جلوگیری می‌شود. حرف دیشب با عمل امروز مأموران در فرودگاه سازگاری نداشت. به فکر فرو رفتم که متأسفانه هنوز هم با گذشت سال‌ها از پیروزی انقلاب اسلامی، برخی سیاستهای اجرایی در کشور، ناپایدار و ناهمانگ است. برخورد این چنینی با مسائل اجرایی، سوء استفاده کنندگان را به قانون شکنی ترغیب نموده، اثر نامطلوبی در روحیه مردم از خود بجا می‌گذارد. زمانی به موفقیت کامل دست خواهیم یافت که مجموعه کشور، چونان بدن انسان سالم، هماهنگ و منسجم عمل کنند.

بهر حال از گیت بازارسی گذشتم، برخورد مأموران با همگان خوب و صمیمی بود و نسبت به سال گذشته مطلوب‌تر به نظر می‌رسید.

یکی از برادران حفاظت، ضمن آن که التماس دعا می‌گفت، از من خواست تا در این سفر معنوی درباره امام زمان - علیه السلام - برای مردم صحبت کنم تا آنان با شناخت بیشتر نسبت به آن حضرت، در

بازگشت به میهن آن را بفروشد و از این رهگذر سودی ببرد، این هم سوداگر است نه حاجی، سوداگران نیز در طول سفر به فکر سوداگری اند نه عبادت؛ و سومی هم چند روزی را به خورد و خوراک و خواب در سرزمین وحی عمر می‌گذراند و خوشحال است که پس از مراجعت، آشنايان و دوستان و بستگان به استقبال او آمده، رفت و آمد دارند سور و ساتی به پا می‌کنند و همه او را حاج آقا و یا حاج خانم صدا می‌زنند! این هر سه گروه زیان کارند و سودی از این سفر معنوی نمی‌برند.

البته اگر حاجی بداند به کجا می‌رود و هدف از سفر به خانه خدا چیست؟ بطور طبیعی به اهداف فوق نیز دست پیدا می‌کند؛ چراکه وقتی حاجی خود را در کنار قبر مطهر و نورانی رسول خدا - ص - می‌بیند و یا شب‌های مسجدالحرام را درک می‌کند و دهها و صدها هزار انسان عاشق از گوشه و کنار جهان آمده را با رنگ‌ها، لباس‌ها و نژادهای گوناگون مشاهده می‌کند که همه در یک صف ایستاده و به یک سو نماز می‌گزارند، براستی خستگی از جان و تنش به در رفته، نشاط روحی و معنوی خاصی به او دست می‌دهد که با هیچ چیز دیگر قابل مقایسه نیست. تمامی عبادات اینگونه‌اند،

خدا، در آخر زمان را به چند گروه تقسیم کرده، فرموده: زمانی فرا خواهد رسید که شروتمدان از امت من برای تفریح و خوشگذرانی و گروههای متوسط جامعه، برای سوداگری و تجارت، و فقیران و نیازمندان آنان نیز برای خود نمایی و ریاکاری حج می‌گزارند.

سلمان پس از شنیدن این مطالب، با شگفتی پرسید: ای رسول خدا، آیا چنین زمانی خواهد آمد؟ پیامبر - ص - فرمود: سوگند به آن خدایی که جان من در دست اوست [آنچه گفتم] در آینده واقع خواهد شد.<sup>۴</sup>

بنابراین گاهی آنان که پول و امکانات مالی دارند، به خاطر رفع خستگی و تفریح به حج می‌آیند و طبیعی است داشتن چنین انگیزه‌ای حاجی را در سفر حج، بیشتر به استقرار در هتل بهتر، خوراک لذیذتر و پرسه زدن در کوچه و بازار و سرکشی به مغازه‌ها مشغول می‌کند. بیش از آن که عاشق خانه خدا باشد، عاشق جده و بازار ابوسفیان می‌شود. در جستجوی جنس است. نه در یافتن خدا و جای پای ابراهیم خلیل و...

آن دیگری هم به خیال خام خود به حج آمده تا کالای ارزانی را خریده، و پس از

نشسته و به کعبه می‌نگرد، برای هر لحظه نگاهش از خدا مزد می‌گیرد. قرآن می‌خواند، طواف می‌کند، نماز می‌گزارد و... بر عطایای الهی پیوسته افزوده می‌شود. آیا تجارتی از این سودآورتر کسی سراغ دارد در کجای جهان یک تومان، صد هزار تومان سود به همراه می‌آورد؟

بنابراین حاجیان را باید قبل از سفر حج توجیه کرد زیرا که حج عبادت خداست و معمول مردم بیش از یک سفر در طول زندگی، توفیق رفیقشان نمی‌شود و اگر حاجی بداند چگونه از حج بهره‌برداری کند به سود سرشاری دست خواهد یافت و تا پایان عمر از شر و پلیدی و شیطان، گریزان و از بدی‌ها در امان می‌ماند.

البته وظیفه علماء و دانشمندان و فرهیختگان است که با استفاده از ابزارهای مختلف، پرده غفلت و بی‌خبری را از جلو چشمان مردم برداشته، آنان را با افق‌های امید بخش و روشن آشنا سازند... اطلاعات فرودگاه اعلام داشت، از

مسافرانی که با پرواز شماره ۱۱۳۰ هوایی‌مایی جمهوری اسلامی ایران عازم عربستانند خواهشمندیم برای سوار شدن به هوایما به درب خروجی مراجعه فرمایند. حاجیان با شنیدن این پیام، از جا حرکت

و اگر کسی به عمق اسرار و معارف آنها پی ببرد لذتی در خود احساس می‌کند که هرگز، با هیچ لذت مادی آن را مبادله نخواهد کرد. اگر در فکر تجارت هم باشد باز حرمین شریفین بهترین مکان برای تجارت معنوی است.

قرآن کریم به ما آموخته است که اگر با خدا معامله می‌کنیم، سود آن با تجارت‌های مادی قابل مقایسه نیست:

**«ان الله اشتري من المؤمنين أنفسهم و أموالهم بأن لهم الجنة...»<sup>۵</sup>**  
خداؤند با مؤمنان معامله می‌کند، جان و مال

می‌خرد و به جای آن بپشت می‌دهد.

**«من ذا الذي يقرض الله قرضاً حستاً فيضاعفه له أضعافاً كثيرة...»<sup>۶</sup>**  
هرکس به خدا قرض دهد، خداوند چندین برابر پاداش به او می‌هد و...

در حج نیز چنین است؛ خداوند حج صحیح و مبرور را از حاجی می‌پذیرد و به جای آن آمرزش گناهان و بپشت موعود عنایت می‌کند.

به مسجد النبی - ص - می‌رود یک رکعت نماز می‌خواند، ده هزار رکعت از خدا پاداش می‌گیرد. در مسجد الحرام مقابل کعبه می‌ایستد یک رکعت نماز می‌خواند، یکصد هزار رکعت پاداش می‌گیرد.

امر موجب شده تا در پاره موارد  
بی‌نظمی‌های رخ دهد.

روز گذشته که با آقای محمد حسین  
رضایی ریاست محترم سازمان حج و زیارت  
عازم دیدار ریاست جمهوری بودم خبر،  
یافتم که جناب حجۃ‌الاسلام والمسلمین  
آقای محمدی ری‌شهری دستور داده‌اند، در  
سال جاری حتماً شماره صندلی مسافران  
مشخص شود، ایشان نیز به عوامل اجرایی  
دستورات لازم را داده بر آن تأکید می‌کردد  
لیکن متأسفانه هنوز خبری از اجرای این  
فرمان نبود. امید است هواپیمایی جمهوری  
اسلامی ایران در پروازهای بعدی مشکل را  
حل کند.

با راهنمایی مهمانداران، روی یکی  
از صندلی‌ها نشستم و قبل از آنکه مهماندار  
مرا فرا بخواند کمربند را بستم.

قدرت خوب و زیباست که انسان قبل  
از هرگونه تذکر و درخواستی، خود وظیفه  
شناس بوده و بدان عمل کند. چرا برخی  
همیشه در انتظار شنیدن تذکر و راهنمایی  
این و آن هستند؟ با کمی اندیشیدن و تدبیر  
هر کسی می‌تواند مأمور و مذکر خویش  
باشد و راه و رسم زندگی صحیح، هموار با  
نظم و انطباط را فراگیرد.

مهماندار اعلام کرد که مقصد جدّه

کرده، به تکاپو و پرس و جو افتادند. در  
چنین موقعی برخی از مسافران بی‌جهت  
عجله می‌کنند. با شتاب به طرف در خروجی  
می‌آیند و در نتیجه هم خود و هم دیگران را  
اذیت می‌کنند. این رفتار از دیدگاه تربیتی،  
پسندیده نیست. هر مسافری که به سالن  
انتظار راه یافته، باید این مطلب را بداند که تا  
هوایپما تمامی مسافران را سوار نکند، پرواز  
نخواهد کرد. بنابراین عجله و شتاب برای  
چیست؟

اصول تربیتی اسلام نیز اقتضای آن  
را دارد که در چنین موقعی پیران و کهن  
سالان را بر خود مقدم داشته، آنان را کمک  
و یاری دهیم. طبق فرمایش روایات، خدمت  
به حاجیان بیت الله‌الحرام از بهترین  
کارهاست پس خوب است که آن را از همین  
جا آغاز کنیم.

مأموران گذرنامه، بلیط، مهر خروج و  
ویزاها را کنترل کردن. به طرف هواپیما  
رفتیم. همه چیز به خوبی پیش می‌رفت. از  
بی‌صبری و عصبانیت خبری نبود.  
مهمانداران هواپیما با مهربانی به حاجیان  
خوش آمد گفته، آنان را برای نشستن روی  
صندلی‌ها هدایت می‌کردند. البته جای  
مخصوصی برای مسافران در نظر گرفته  
نشده و بلیط‌ها شماره صندلی ندارند و همین

لحظه‌ها به سرعت سپری می‌شدند، و پرنده آهنهای بال آسمان را می‌شکافت و بر فراز ابرها به سوی هدف می‌شتابت، هر چه بیشتر اوج می‌گرفت، شهرها و کوهها کوچک‌تر دیده می‌شد. اگر هوا ابری نباشد، شهرها را به صورت نقطه‌ای کوچک می‌توان دید!

از دیدن این منظره‌ها به این فکر افتادم که به آن‌جا خواهم رسید.

راستی اگر انسان در مسیر معنویت تلاش کند و اوج بگیرد، که دنیا و متعلقات آن در نظرش کوچک می‌شود. و هرچه به خدا نزدیگتر گردد، جلوه‌های دنیایی را کوچک‌تر و حقیرتر می‌بیند.

نکته دیگر آن که وقتی کسی در محیطی بسته قرار گرفته، تنها چیزهایی را می‌بیند که در اطرافش موجود است، به کوچه و خیابان که در آید افق دیدش بیشتر می‌شود، اگر بر فراز کوهی برآید، مناطق وسیعتری از اطراف در معرض دیدش قرار می‌گیرد. و اگر پرواز کرده به آسمان بیاید، با یک نگاه همه جا را می‌بیند؛ از این روست که انسانهای حقیقت‌جو و خدا خواه باید با دیدی شگرف‌تر و وسیع‌تر به جهان بنگرند، و زندگی را از یک زاویه محدود نبینند. تنها به دنیا و جاذبه‌های مادی آن نیاندیشند،

و مدت پرواز سه ساعت است، لطفاً کمربندها را بسته نگهدارید و به علامت نکشیدن سیگار توجه کنید. مسافران هر یک بگونه‌ای وقت گذرانی می‌کردند؛ برخی روزنامه می‌خواندند، بعضی با بغل دستی خود صبحت می‌کردند، تعدادی به خواب فرورفتند و من نیز از فرصت استفاده کرده، به نوشتن سفرنامه پرداختم. نیم ساعتی که گذشت، میهمانداران پذیرایی از میهمانان خدا را آغاز کردند.

در پروازهای خارجی رسم بر این است که با غذای گرم از مسافران پذیرایی می‌کنند اما در این پرواز از همان غذاهای سرد و معمولی پروازهای داخلی استفاده شد. شاید هوایی از هم اکنون می‌خواهد به حاجیان بیاموزد که به فکر شکم و استفاده از غذاهای چرب و نرم نباشند! لیکن نه هوایی این اندیشه‌ای دارد و نه حاجیان خسته و به خواب رفته چنین درسی را فرا می‌گیرند. کاش مسؤولان محترم هوایی، با پروازهای سفرهای مذهبی همان گونه عمل می‌کردند که با پروازهای اروپایی عمل می‌کنند. این تفکر که چون اینها حاجی‌اند و قصد زیارت دارند و اعتراضی هم نمی‌کنند، پس هر چه خواستیم بکنیم! تفکر نادرستی است.

برخاستن و نشستن و هدایت هواپیما، تحسین همگان را برانگیخته‌اند. از خداوند برای تمامی این عزیزان آرزوی موفقیت دارم.

از برادر عزیز و بزرگوارم آقای حاج شیخ حسین انصاریان که در صندلی جلو نشسته بود، دعوت کردم تا لحظاتی کنارم آمده، یکی از خاطرات خوب و شیرین سفر حجّش را برایم بگوید. ایشان نیز درخواست مرا پذیرفته، چنین اظهار داشتند:

مدیر یکی از کاروانها به نام حاج احمد کاشانی، که در پامنار تهران مغازه داشت، روزی برای من تعریف کرد که حدود چهل سال قبل کاروانی را با حدود سی و پنج نفر راه اندازی کردم تا با اتوبوس از طریق عراق و سوریه به مکه مکرمه مشرف شویم، در آن زمان حاجی زیاد نبود و لذا تعداد زائران هر کاروان کم بود و آنها خود غذا تهیه کرده و هزینه می‌کردند و مدیران کاروان‌ها بیشتر جنبه راهنمایی داشتند. روزی که قرار بود حرکت کنیم، پیر مرد خوش سیمایی، یک زن و مرد اصفهانی را به من معرفی کرد و گفت: خیلی مواظب این دو مسافر باش. و مرا عاتشان کن. سفارش‌هایش را کرد و رفت. در بین راه دیدم این دو، خیلی اهل تهجد و عبادتند و در

تلخی و شیرینی، زیبایی و زشتی، و خوبی و بدی‌ها را باهم ببینند تا به کمال مطلوب دست یازند.

حال که حاجیان در فضا به پرواز در آمده و افق دید و سیعتری پیدا کردند، شایسته است پس از فرود آمدن در فرودگاه جده، مراقب باشند تا بار دیگر جاذبه‌های زمینی آنان را از توجه به صعود به سوی حق و معنویت باز ندارد. در این سفر الهی، به فکر پرواز بوده، همیای فرشتگان و ملائک در دیار ملکوتیان سیر کنند...

در این لحظه خلبان با سلام و خیر مقدم به مسافران اظهار داشت: ما هم اکنون در فاصلهٔ سی و نه هزار پایی (حدود ۱۲ هزار متری زمین) در حرکت هستیم. هواپیما نزدیک به ۸۰۰ کیلومتر در ساعت سرعت دارد. مسیر ما از تهران به این ترتیب بوده که از فضای شهرهای اصفهان و شیراز گذشته و پس از عبور از خلیج فارس وارد فضای عربستان شدیم و هم اکنون در فاصله ۱۰۰ کیلومتری شهر ریاض هستیم و تا ۵۵ دقیقه دیگر به فرودگاه جده خواهیم رسید، هوای جده خوب گزارش شده، برای شما مسافران عزیز و گرامی سفری خوب و خوش آرزومندم. گفتنی است که خلبان‌های ایرانی از تخصص بالایی برخوردارند و در

افتاد، وقتی بالای سرش آمدم دیدم از دار دنیا رفته است! به همراه زائران غسلش دادیم و کفنش کردیم و در پشت مسجد شجره قبری کنده، به خاکش سپردم... آقای انصاریان سپس افزودند که: من مسجد شجره قدیم را دیده بودم، گمانم این است که هم اکنون قبر آقا در توسعه جدید، داخل مسجد قرار گرفته است.

خاطره خوب و تکان دهنده‌ای بود. از آقای انصاریان به خاطر بیان این خاطره شیرین و جالب تشکر کردم. آنگاه درباره موضوع دیگری به صحبت ادامه دادیم تا آن که مهماندار هوایپما اطلاع داد تا چند دقیقه دیگر در فرودگاه جده به زمین خواهیم نشست. لحظاتی بعد هوایپما فرود آمد و پس از توقف کامل، زائران به آرامی پیاده شدند.

در ابتدای ورود به سالن انتظار، یکی از مأموران سعودی، چند جزوئه تبلیغی وهابی‌ها را، که به زبان فارسی افغانی به رشته تحریر در آمده بود، به زائران هدیه می‌داد. چند نفر مأمور بهداشت نیز کارت واکسن زائران را کنترل می‌کردند. هر کس کارت واکسن نداشت همانجا تزریق می‌کردند و به بعضی هم به جای آمپول، کپسول می‌دادند.

هر یک حال عجیب و خوشی داشتند.

سرانجام پس از طی مسیر به مدینه رسیدیم. در آن زمان، مثل الان، ساختمان و منزل در کار نبود، چند باغ وجود داشت که کاروانها آنها را اجاره کرده و در آنجا سکونت می‌گزیدند. تابستان بود و گرما بیداد می‌کرد. حدود بیست روز در مدینه ماندیم تا آن که قرار شد برای محروم شدن به مسجد شجره برویم. در آن روزگار مسجد شجره مسجد کوچکی بود. وارد مسجد شدیم، حاجی‌ها یکی پس از دیگری محروم شدند ولی این مرد اصفهانی همچنان ایستاده و در فکر بود. پرسیدم: احرام بسته‌ای؟ گفت: نه. گفتم دوست داری مستحبات احرام را به جای آوری؟ گفت: آری؛ پولی داده، مقداری آب خرید و با آن غسل کرد. حالت بکاء عجیبی داشت و زیاد گریه می‌کرد! همراهان تلبیه را گفته آماده حرکت بودند، اما دیدم او تلبیه نمی‌گوید. گفتم: چرا لبیک نمی‌گویی؟ پرسید تلبیه یعنی چه؟ در حد اطلاعاتم پاسخش را گفتم که تلبیه یعنی «خدایا! تو خواندی و من آمدم». گفت: همین؟! گفتم: آری.

با همان حال گریه و بکایی که داشت، مرتب می‌گفت: خدایا! آمدم، یارب آمدم، انقدر گفت و گریه کرد تا به زمین

ستونهای استوانه‌ای شکل که در درون آن سیستم تهویه مطبوع تعییه شده هوا را تا حدودی تعديل می‌کند. خدمه هر کاروان که به صورت پیش پرواز به عربستان رفته‌اند، مکانی را برای حاجیان تدارک دیده‌اند و از آنان پذیرایی می‌کنند و در همین فاصله، یکی از اعضای کاروان گذرنامه‌ها را برای گرفتن اتوبوس جمع‌آوری کرد.

سازمان حج و زیارت در سال‌های اخیر با برنامه‌ریزیهای خوب و منظم با غذای گرم از حاجیان پذیرایی می‌کند. هیأت پزشکی نیز یک تیم پزشکی در جده مستقر کرده ستاد جده هم پاسخگوی حاجیان و زائران ایرانی خانه خدا هستند که از ایران و دیگر کشورها به حج آمده‌اند. معمولاً کاروانها بین چهار تا ۱۲ ساعت در جده می‌مانند. در این فاصله، عناصر فرصت طلب و مشتاقان پسته و زعفران و انگشت، گردآگرد کاروان‌های ایرانی به گردش در می‌آیند تا با بهای اندکی، کالای مرغوبی را خریدار کنند. بعضی از زائران بی‌توجه نیز با چراغ سبز نشان دادن، بازار خرید و فروش را رونق می‌بخشند که منظرة ناخوشایندی را به نمایش می‌گذارند.

به روحا نیان و مدیران کاروان‌ها توصیه شده، قبل از سفر، زائران را توجیه

در سالن بعدی با کامپیوتر گذرنامه‌ها را کنترل و مهر دخول می‌زندند.

از این مرحله که گذشتیم، برای تفتیش اثاثیه به سالن دیگری آمدیم. من او لین نفر بودم که اثاثیه‌ام را بازرسی می‌کردند. مأمور تفتیش لباس‌ها و هر آنچه که داخل ساک بود را بیرون ریخت و آن را تکانی داد تا مطمئن شود که چیزی داخلش نمانده است. در این حال یک مهر کربلا از لابلای لباس‌ها به دست آورد، قدری بررسی کرد و به گوشهای انداخت و گفت: ممنوع! به او گفتم: لیش ممنوع؟ هذا تراب! پاسخی نداد. بعد از اصرار و پافشاری من فرد دیگری را صدا کرد و باهم کمی صحبت کردند و سرانجام مهر را به من بازگرداند. به او گفتم: این روزها، زائران زیادی به جده وارد می‌شوند، سعی کنید بجهت حاجیان را اذیت نکنید و تا می‌توانید به میهمانان خدا خدمت کنید و این انسان‌های از راه دور آمده را آزار نرسانید، باشد با خاطرهای خوش از سفر حج برگردند. به علامت قبول سری تکان داد و من هم خدا حافظی کرده، از سالن بیرون آدم.

از سالن که بیرون می‌آیی، فضای وسیعی را با خیمه‌های سفید رنگ و مرفع، برای استراحت زائران فراهم آورده‌اند،

مرقد نورانی رسول خدا - ص - و نیز قبور مطهر چهار امام شیعه؛ امام مجتبی، امام سجاد، امام باقر و امام صادق - علیهم السلام - در مدینه قرار دارد و از این رو یترقب را به عنوان دومین شهر، پس از مکه مکرمه میعادگاه عاشقان و پیروان رسول خدا - ص - ساخته است.

اتوبوسها پس از گذر از تفتيش  
۱۵ مأموران سعودی، در فاصله حدود

کیلومتری مدینه، به ترمیثال اتوبوسها هدایت می‌شوند. در آنجا گذرنامه‌ها را مهر زده نگه می‌دارند و تنها رسید آن را در اختیار مدیر گروه می‌گذارند تا بتواند هنگام خروج از مدینه مراجعه و گذرنامه‌ها را برای رفتن به مکه تحويل بگیرد. با گذر از این مرحله، اتوبوس‌ها به سوی محل استقرار هر کاروان در مدینه حرکت می‌کنند. همینکه در و دیوار شهر پدیدار می‌گردد روحانی کاروان یا هرکس که صدای خوشی دارد به پیامبر - ص - و ائمه بقیع سلام داده ذکر مصیبته می‌خواند و مردم با دیدن گندید سبز پیامبر و مناره‌های مسجد النبی صدا به صلوات برداشته عاشقانه می‌گریند و از این که توفيق زیارت مدینه منوره را پیدا کرده‌اند، صمیمانه خدا را سپاس می‌گویند.

ژائران ایرانی خانه خدا در دو گروه

کنند تا تحت تأثیر اینگونه جاذبه‌ها قرار نگیرند.

تا فراهم شدن وسیله نقلیه، به استراحت پرداختیم، سپس ساکها را برداشته باتفاق برادران عازم مدینه منوره شدیم. جاده جده مدینه اتوبان است، و بطور متوجه اتوبوس‌ها این مسیر را بین ۵ تا ۶ ساعت طی می‌کنند.

#### مدینه منوره

شهر مدینه در شمال غربی جزیره‌العرب و شمال مکه مکرمه واقع است و فاصله آن تا جده ۳۹۵ و تا مکه ۴۲۵ کیلومتر مربع است. ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۵۹۷ تا ۶۳۹ متر است.

برخی موزخان برای مدینه تا ۹۴ اسم ذکر کرده، و پیشینه این شهر را، پس از طوفان نوح می‌دانند<sup>۷</sup> مدینه منوره یا یترقب اوّلین پایگاهی است که رسول خدا - ص - پس از ورود و هجرت به آن، حکومت اسلامی را تشکیل و بنیانگذاری کرد؛ از این رو بسیاری از حوادث تلخ و شیرین صدر اسلام، در این شهر اتفاق افتاده و گرچه دولت سعودی بسیاری از آثار اسلامی را از بین برده لیکن هنوز تعدادی از مکانها و مقبره‌ها از تعرّض جدی مصون مانده است.

مفردہ با طواف نساء و نماز طواف در پشت  
مقام پایان می‌یابد.

ناگهان آن آقا به خود آمده، متوجه  
شد که چون فکر می‌کرده عمره مفردہ نیاز  
به طواف نساء ندارد؛ از این رو آن را انجام  
نداه و حال با گذشت چند سال تازه فهمیده  
است که باید چه کند! شرکت در جلسات  
آموزشی از تکرار اینگونه صحنه‌ها جلوگیری  
خواهد کرد.

**۲- آشنایی با تاریخ اسلام**  
با اوج گیری شکنجه و آزار دشمنان  
اسلام در مکه مکرمه، مدینه و مردم با  
صفای آن در آن روزگاران، آغوش خود را  
برای پذیرش پیامبر - ص - و همراهان آن  
حضرت به گرمی گشودند. رسول خدا - ص -  
با آگاهی از توطئه مشرکان و با استفاده از  
تاریکی شب از مکه خارج و پس از چند روز  
در میان استقبال با شکوه مردم وارد مدینه  
شدند. از این تاریخ به بعد، حدود ده سال آن  
حضرت در مدینه زندگی کرده، حکومت  
اسلامی تشکیل دادند، دشمنان قسم خورده  
اسلام نیز هر از چندی به مدینه حمله کرده،  
رو در روی مسلمانان قرار می‌گرفتند از این  
رو مدینه خاطرات تلخ و شیرین صدر اسلام  
را در برابر دیدگان حاجیان به نمایش

مدینه قبل و مدینه بعد به عربستان اعزام  
می‌شوند، آنان که مدینه قبل هستند، پس از  
ورود به این شهر، چند وظیفه مهم بر عهده  
دارند:

### ۱- شناخت احکام و مناسک حج

آشنایی با احکام و مناسک حج از  
مهتمرین وظایف زائران خانه خدا است.  
روحانیان و معین‌های کاروان‌ها، روزها  
و شبها در محل کاروان برای زائران جلسه  
می‌گذارند و گاهی نیز برای تصحیح حمد  
و سوره و کنترل بیشتر، به داخل اتاقها رفته  
به صورت فردی، با هر یک از زائران تماس  
گرفته، آنها را راهنمایی می‌کنند.

زائرانی که در این گونه جلسات  
شرکت نمی‌کنند فردا روز و به هنگام انجام  
اعمال و مناسک حج، دچار اشتباهاتی  
خواهند شد که در پاره‌ای موارد قابل جبران  
نیست مگر آنکه حج را تکرار کرده سال  
دیگری به حج بیایند و آن را اعاده کنند.

چندی پیش، فردی تلفنی از اراک  
تماس گرفت و گفت: دوستی دارم که چندین  
سال پیش از این، به خانه خدا مشرف شده  
و حج گزارده است تا این که دو شب قبل در  
جلسه‌ای پیرامون اعمال و مناسک حج  
سخن به میان آمد: از آن جمله این که عمره

و خویشاوندان خود دست کشیده، و به همراه پیامبر - ص - به مدینه آمدند. کنار آن، خانه کوچک زهرا - س - علی - ع - دیده می شود، علی - ع - را در کنار آن خانه در نیمه های شب، نماز شب خوان می توان دید، و اگر مقابل آن خانه بشینی و با چشم دل بنگری، زهرا - س - یگانه یادگار پیامبر - ص - را خواهی دید که دسته ای زیبا کوچک حسن و حسین را گرفته، از خانه خارج می شود. کمی آن طرف تر ستون های با تو سخن می گویند.

اسطوانه الوفود شهادت می دهد که رسول خدا - ص - اینجا می نشسته، به این ستون تکیه می داده و می همانان را به حضور می پذیرفته اند.

اسطوانه الحرس نیز به زبان آمده می گوید: مولای متقيان علی بن ابي طالب - ع - در کنار من می ایستاد و از رسول خدا - ص - پاسداری می کرد.

سون توبه نیز خواهد گفت: حاجیان! ابی لبابه را بنگرید که چگونه از ترس خداوند و به خاطر جبران خطرهای گذشته ریسمانی به گردن بسته، و آن سوی ریسمان را نیز به ستون گره زده و با اشک چشمنش به خدا التماس می کند تا او را بپخشاید و کمی بعد پیامبر - ص - با گامهایی استوار و خندان کنار آن ستون آمده،

می گذارد و در جای جای آن سرزمنی می توان گوشاهی از تاریخ اسلام را با یادگاری آن دوران یافت.

مسجد قُبّا؛ همان مسجدی که بر اساس تقوا بنashde و اولین پایگاه عبادت ساخته شده توسط رسول خدا - ص - است. با ساختمان زیبا و جذابش در ابتدای ورود به مدینه، جلوه گری می کند. عارفانی که با پیمودن مراحل کمال، توان آن را یافته اند تا حقایقی را تماشاگر باشند؛ باشستن در کنار نخلهای زیبای قبا، می توانند ورود رسول خدا - ص - را، که سیل مشتاقان در اطراف مسیر ورودی شهر به انتظار طلوع خورشید وجود آن حضرت نشسته اند و لحظه شماری می کنند، به خوبی ببینند و آنگاه به دنبال آن حضرت راه می افتدند به مسجد جمعه می رسند؛ همانجا که رسول خدا - ص - اولین نماز جمعه را اقامه فرمود، کمی بالاتر مسجد النبی - ص - را مشاهده می کنند که چونان نگینی بر تارک مدینه می درخشد. به هنگام ورود چونان جبرئیل از خدا و رسولش اجازه گرفته، اذن دخول می خوانند و وارد می شوند. رو بروی خود، «صفه» را می بینند و با چشم دل مهاجران ایثارگری را آنجا نشسته می نگرنند که برای دین نگهداری و حمایت از اسلام، از خانه و کاشانه

زندگی می‌کرده است؟! آری رمز موفقیت پیامبر - ص - ساده زیستی بوده است؛ چرا که دستیابی به معنویت در ساده زیستی است و رفاه و رفاه طلبی آفت زندگی صحیح و اسلامی است.

بر اساس فرموده رسول خدا - ص -  
بین قبر و منبر پیامبر - ص - با غی از باعستانهای پهشت است؛ «ما بین قبری و منبری روضة من ریاض الجنة»، آنگاه که زائر حرم نبوی در این مکان می‌نشیند، خود را در پهشت خداوند می‌بیند.

یک رکعت نماز در مسجدالنبی - ص -  
با یک هزار، و بر اساس برخی روایات با ده هزار رکعت نماز در جای دیگر، برابری دارد.  
از شایسته‌ترین اعمال در مسجد النبی - ص - قرآن خواندن و با جبرئیل امین هم نوا شدن است. بسیاری از آیات قرآن را فرشته وحی، در همین مسجد بر قلب نورانی رسول خدا - ص - نازل کرد و حاجی با خواندن قرآن در این مکان مقدس، نورانیت خاصی در وجود خویش احساس می‌کند. وقتی شبها و صبحها به هنگام برگزاری نماز جماعت در مسجد النبی - ص -  
حدیفی، قاری معروف قرآن، بالحن جذاب و شیرینش حمد را می‌خواند و آیات قرآن را تلاوت می‌کند، به راستی در و دیوار

رسیمان را باز می‌کند و دست رحمت خود را بر سر ابی لبابه نهاده، به او بشارت می‌دهد که توبهات را خدا پذیرفت. و به ناگاه گوش دلت ندای روح بخش اذان را می‌شنود که بانگ بر می‌آورد: «الله أکبر، الله أکبر، أشهد أن لا اله الا الله...» و مردم را به نماز جماعت فرا می‌خواند.

در بـهای مسجد را نظاره گـر باش، سلمان آمد، ابادر داخل شـد، عمار و مقداد آمدند و همه به سـوی محـراب در حرـکـت. کـمـی بعد نـماز جـمـاعـتـ به اـمامـتـ رسول خـداـ صـ تـشـکـیـلـ مـیـشـودـ وـ تـمـامـیـ اـینـ چـهـرـهـهـایـ نـامـیـ اـسـلامـ بهـ آـنـ حـضـرـتـ اـقـتـداـ مـیـکـنـدـ درـ کـنـارـ مـسـجـدـ هـمانـجاـ کـهـ هـمـ اـکـنـونـ مـرـقـدـ نـورـانـیـ رسولـ خـداـ صـ اـسـتـ، خـانـهـ کـوـچـکـیـ وـ جـوـدـ دـاشـتـ کـهـ وـجـودـ نـورـانـیـ پـیـامـبـرـ صـ رـاـ سـالـهـاـ درـ خـودـ پـذـيرـايـیـ کـرـدـهـاستـ. خـانـهـ پـیـامـبـرـ صـ رـاـ مـیـگـوـيـمـ؛ هـمانـ خـانـهـ بـهـ ظـاهـرـ مـحـقـرـ وـ کـوـچـکـ اـماـ درـ وـاقـعـ بـزـرـگـ وـ شـکـوـهـمنـدـ. آـیـاـ درـخـشـنـدـهـ تـرـینـ چـهـرـهـنـبـوتـ وـرـسـالـتـ مـحـمـدـ بـنـ عـبـدـالـلـهـ صـ کـهـ بـاـ توـکـلـ بـرـ خـداـونـدـ توـانـستـ دـنـیـاـ رـاـ تـحـتـ تـأـیـرـ قـرارـ دـهـدـ. اـیـرانـ وـ رـومـ رـاـ بـهـ شـکـسـتـ وـادـاشـتـهـ وـ پـرـچـمـ پـرـ اـفـتـخـارـ اـسـلامـ رـاـ بـرـ بلـنـدـایـ بـامـ جـهـانـ بـهـ اـهـتـزـازـ دـرـآـورـدـ، درـ هـمـیـنـ خـانـهـ چـندـ مـتـرـ مـیـزـیـستـهـ وـ باـ هـمـیـنـ سـادـگـیـ

سنگفرش‌ها با تو حرف می‌زنند.  
 آهای حاجی! اینجا که قدم  
 می‌گذاری روزی و روزگاری کوچه بنی‌هاشم  
 لقب داشت، خانه امام سجاد و امام صادق  
 - علیهم السلام - و برخی از صحابة رسول  
 خدا - ص - اینجا بود. آن سوی مسجد، قبر  
 عبدالله پدر بزرگوار رسول خدا - ص - است  
 و ... و تمامی این آثار گرانقدر در طرح  
 توسعه حرم از میان رفته و هیچ یاد و نشانی  
 از آن نیست!

جلوتر بیایی، بقیع را می‌بینی؛ همان  
 گورستانی که رسول خدا - ص - حتی در  
 حال بیماری برای مدفونین در آن از خداوند  
 طلب مغفرت می‌کرد. از پشت پنجره‌های  
 بقیع قبور خاکی ارزشمندترین چهره‌های  
 اسلام را می‌بینی؛ امام مجتبی، امام سجاد،  
 امام باقر، و امام صادق - علیهم السلام - در  
 یک ردیف و کنار هم. فاطمه بنت اسد مادر  
 گرامی امیر مؤمنان، همسران پیامبر - ص -  
 دختران و عمه‌های آن حضرت، عباس  
 عمومی گرامی اش و ابراهیم تنها پسرش  
 ام البنین مادر قمر بنی‌هاشم ابوالفضل،  
 عنمان بن مظعون صحابی باوفای پیامبر - ص -  
 و بالآخره بیش از ده هزار نفر از پیشوایان  
 شیعه، صحابه و یاران رسول خدا - ص -  
 و نیز بسیاری از علماء و دانشمندان و صلحاء

و ستون‌های مسجد او را همراهی می‌کنند  
 و هرکس قرآن را بفهمد و معانی آن را درک  
 کند آنچنان لذتی می‌برد که هرگز تا پایان  
 عمر آن را فراموش نخواهد کرد.  
 اشکم به رخ، خونم به دل، آهم به سینه است  
 ای زائرین، ای زائرین اینجا مدینه است  
 شهری که خاکش آبرو بخشد به جنت  
 شهر محمد، شهر قرآن، شهر عترت  
 اینجا مدینه، شهر پیغمبر و زهرا است  
 هم فاطمه، هم تربت پیغمبر اینجا است  
 اینجا قدم بر عرش اعلی می‌گذارد  
 چون پا به جای پای زهرا می‌گذارد  
 آوای وحی آید زدیوار رفیعیش  
 هم باب جبرائیل و هم باب بقیعیش  
 این قبر احمد، این بقیع و قبرهایش  
 گل‌های پرپر گشته اما با صفائش  
 ما بین آن محراب و منبر جا بگیرید  
 حاجت ز رب حضرت زهرا بگیرید  
 آن فاطمه بنت اسد، آن مام عباس  
 این قبر ابراهیم، احمد را گل یاس  
 این مجتبی این قبر بی‌شمع و چراغش  
 این سید سجاد با آن درد و داشت<sup>۸</sup>  
 در و دیوار با تو سخن می‌گوید و  
 گوشه‌ای از تاریخ اسلام را برایت باز  
 می‌گوید.

از مسجد که خارج می‌شود

کبوتران بسیاری مشغول دانه خوردن بودند.  
 با توجه به توسعه حرم در چند سال اخیر، طرح جدیدی برای بقیع آماده کرده‌اند. ابتدا در کنار دیوارهای قبلی، دیوارهای فعلی را بلندتر از گذشته ساخته و پس از پایان کار دیوار قبلی را تخریب کردند و قبرستان را نیز از سوی شارع ستین و نیز از سوی شارع علی بن ابیطالب - ع - توسعه دادند به شکلی که هر دو سوی اتوبان شارع ستین داخل قبرستان بقیع قرار گرفت. پله‌ها و بالکن مقابل درب ورودی بقیع نیز مرتفع‌تر و وسیع‌تر از گذشته ساخته شد و در نتیجه قبور ائمه معصومین - علیهم السلام - بهتر دیده می‌شود.

روبوی درب ورودی بقیع کمی به سمت راست دیواری سنگچینی شده وجود دارد که چند قبر را در خود جای داده است؛ چهار قبر آن، کنار هم قرار گرفته که به ترتیب عبارتند از:

قبر مطهر امام مجتبی، امام سجاد، امام باقر، و امام صادق - علیهم السلام - در قسمت بالای سر قبور ائمه، قبر عباس عمومی پیامبر - ص - و در کنار دیوار، قبر فاطمه بنت اسد مادر امیر مؤمنان علی - ع - واقع است. آنجاکه قبور ائمه معصوم - علیهم

در این گورستان در خاک آرمیده‌اند.

آه که اندیشه غلط و انحرافی وهابیان چه بر سر بقیع آورده‌است و چگونه این قبرستان پر اهمیت را با این شکل دلخراش، در برابر چشمان میلیون‌ها انسان مشتاق دیدار از اماکن مقدس و پر جاذبه اسلامی به نمایش گذاشته است!

بقیع همیشه آرام و ساكت است اما با سکوت خود مظلومیت شیعه را فریاد می‌زند. سال ۵۹ که برای اولین بار به حج مشرف شده بودم اطراف حرم بازار بود و کمی بالاتر از باب جبرئیل کوچه باریکی وجود داشت که به کوچه بنی‌هاشم معروف بود. خانه‌هایی نیز در آن کوچه وجود داشت که از آنها به خانه امام صادق و امام سجاد - علیهم السلام - یاد می‌شد و مردم با حضور در کنار این منازل به یاد امامان و مظلومیت آنان اشک می‌ریختند. پس از گذر از آن کوچه، به شارع اباذر می‌رسیدیم که در یک سوی خیابان مغازه و بازار بود و در روبوی کوچه قبرستان بقیع قرار داشت. دیوارهای آن کوتاه‌تر از دیوارهای امروزی بود وزائران در پشت پنجره‌های فولادی آن ایستاده، زیارت می‌خواندند. در پشت پنجره از قسمت داخل نیز خاکبرداری کرده، مردم برای کبوتران گندم و جو می‌ریختند و

وهابیان فریادهای مانده در گلو دارد. لازم نیست کسی آن جا مصیبت بخواند. هر زائر تازه واردی آن منظره را ببیند، سر به دیوار و پنجره‌های بقیع گذاشته، زار زار می‌گرید و غربت و مظلومیت اهل بیت - علیهم السلام - را فریاد می‌کند.

صبح‌ها از ساعت ۶ تا ۸ و بعد از ظهرها تقریباً از ساعت ۴ تا ۶ درب قبرستان بقیع را گشوده، اجازه می‌دهند زائران داخل شوند، اما در دیگر ساعات شبانه روز، علاقمندان به امامان پشت پنجره‌های بقیع ایستاده، زیارت می‌خوانند و مرثیه‌سرایی می‌کنند.

اگر زیارت و گریه زائران معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا کند، تحول روحی و اخلاقی و بیداری آنان را به همراه خواهد داشت.

زنان را به قبرستان بقیع راه نمی‌دهند از این رو کاروان‌ها زائران خود را در کنار دیوار و یا فضای باز پایین قبرستان بصورت گروهی می‌نشانند و دسته‌جمعی زیارت می‌خوانند.

زائران شیعه منطقه خلیج فارس نیز با نظم و انطباط خاصی، بین بقیع و حرم نبوی - ص - می‌نشینند و زیارت می‌خوانند. خانم‌ها همه عبا بر سر و پوشیه بر صورت

السلام - قرار دارد، کمی نسبت به قسمت‌های دیگر قبرستان بقیع بلندر است. حجه الاسلام و المسلمين آقای عمراوی عالم و روحانی شیعیان مدینه در دیداری خصوصی می‌گفت: در گذشته و قبل از سلطه وهابیان بر حجاز، قبور ائمه در بقیع گنبد و بارگاه داشت و برای ورود به آن نیز چند پله پایین می‌رفتیم تا کنار قبور رسیده، آنجا می‌ایستادیم و زیارت می‌خواندیم. پس از آن که وهابیان روی کار آمدند و به تخریب این آثار دست یازیدند، آوارهای آن را همان جا باقی گذاشتند و در نتیجه این قسمت کمی از دیگر قسمت‌ها بلندر است.

در داخل قبرستان بقیع راه رهایی به عرض دو متر وجود دارد که تا سال ۷۴ همه خاکی بودند لیکن از سال ۷۵ به بعد آن‌ها با بلوک‌های سیمانی فرش کرده‌اند و در نتیجه کمتر گرد و خاک بلند می‌شود. مسیر عبور مردم آن جا که قبور ائمه قرار دارد کمی وسیع‌تر است. زائران تا چند سال پیش دقیقاً کنار قبور ایستاده زیارت می‌خواندند لیکن هم اکنون مأموران سعودی حاجیان را با فاصله حدود چهار تا شش متری قبور نگهداشته، اجازه نزدیک شدن به آنان را نمی‌دهند.

به راستی همه جای بقیع علیه

می‌روند، پیوند خود با پیشوایانشان را بیش از پیش مستحکم می‌سازند.  
بدیهی است هر زائری اگر از امامان معصوم - علیهم السلام - و ویژگیهای آنان آگاهی پیدا کند، مسیر زیارت را عاشقانه‌تر و با دل طی خواهد کرد و به قول هاتف:  
چشم دل بازکن که جان بینی  
آن چه نادیدنی است، آن بینی  
گر به اقلیم عشق رو آری  
همه آفاق، گلستان بینی  
آن چه بینی، دلت همان خواهد  
آن چه خواهد دلت، همان بینی  
زائر اگر از آغاز راه به این آیه شریفه توجه کند که:  
«ولو أَنْهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاوَكُ  
فَاسْتغْفِرُوا لِلّهِ وَاسْتغْفِرُ لِهِمُ الرَّسُولُ  
لَوْجَدُوا اللّهَ تَوَابًا رَّحِيمًا»<sup>۹</sup>  
آنان که به خود ستم کرده‌اند، اگر نزد تو بیانند و از خداوند طلب عفو و بخشن کنند و رسول خدا - ص - نیز برای آنان از خداوند طلب آمرزش نماید، به یقین خدا را توبه پذیر و مهریان خواهند یافت.»

دلش کانون عشق و امید خواهد شد و به هنگام بازگشت نیز خود را چونان انسان رهیده از دوزخ می‌بیند که تولیدی دیگر یافته، و زمینه را برای رشد روحی و اخلاقی

دارند گروهی از زائران ترکیه را هم دیدم که بصورت دسته جمعی نشسته و یک نفر نیز با بلندگو برای آنان قرآن می‌خواند و آنها گوش می‌کرند.

زائران آن گاه که در کنار بقیع قرار می‌گیرند، خود را بین الحرمین می‌بینند، در یک سو مرقد پاک و نورانی و گنبد سبز رسول خدا - ص - جلوه‌گری دارد و در سوی دیگر قبور مطهر بقیع.

علاوه بر آنچه بیان شد، در مدینه اماکن فراوانی وجود دارد که هریک گوشه‌ای از تاریخ پر افتخار اسلام را بازگو می‌کند؛ مساجد هفتگانه و مسجد قبلتین، مسجد مباھله، مسجد فضیخ، مسجد ابذر، مشربه ام ابراهیم، مسجد عریض، أحد و بسیاری از آثار به جا مانده از صدر اسلام، همه نشان از رسول خدا - ص - و یاران آن حضرت و وضع پر مخاطره آن دوران دارد و زائران با دیدن این اماکن و مرور تاریخچه آن، و یادآوری خاطرات شکوهمند آن دوران درس‌های فراوانی را فرامی‌گیرند.

### ۳- زیارت

زیارت از دیدگاه تشیع معنا و مفهوم خاصی دارد و آنان که از روی شناخت و معرفت به زیارت معصومان - علیهم السلام -

دسته جمعی نشسته زیارت می‌خوانند. به خاطر حضور خانم‌ها در حرم، نتوانستم از باب جبرائیل وارد شوم، لذا کنار درب دیگر مسجد آمده اجازه ورود گرفته، سپس داخل شدم. اذن گرفتن از محضر رسول خدا - ص - یک دستور قرآنی است؛ خداوند از مؤمنان خواسته است تا به هنگام ورود به منزل حبیب خدا، اجازه گرفته، بدون هماهنگی وارد نشوند. گرچه این دستور العمل مربوط به زمان حیات آن حضرت بوده، لیکن هم اکنون نیز به قوت خود باقی است چرا که پیامبر - ص - زنده و مرده ندارد، و اینجا نیز خانه رسول خدا - ص - است و آن حضرت حق دارد هر کس را خواست بپذیرد و هر که را دوست نداشت به خانه راه ندهد. طبیعی است که این نگرانی در من به وجود آمد که آیا رسول خدا - ص - اجازه ورود به من عاصی را خواهد داد؟ با مروری بر ویژگیهای پیامبر - ص - که پروردگار متعال آن را در قرآن بازگو کرده و آیاتی از قبیل «إنك لعلى خلقٍ عظيمٍ»، «فبما رحمة من الله لنت لهم» و «حربيص عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم» امیدواری در من تقویت شد و احساس کردم رسول خدا - ص - با آن خلق نیکو و لطافت روح، و آغوش گشوده‌اش در برابر مسلمانان، هرگز مرا از خود نمی‌راند افزون

خویش و پیمودن راه تکامل هموار می‌بیند. و آنچنان تأثیری در وجود زائر می‌گذارد که به فرموده گرامی دختر رسول خدا - ص - فاطمه اطهر - س - :

### «ماذا على من شتم تربة أَحْمَدَ

أَن لا يشم مدي الزمان غوالياً»<sup>۱۰</sup>  
 «آن کس که تربت احمد [ - ص - ] را بوبیده باکی ندارد که هرگز در گذر زمان از هیچ بوی خوشی بهره نگیرد [و هیچ مشک و عطری جاذبه تربت عطر آگین نبی را نخواهد داشت]»

ساعت ۹/۵ صبح بود که برای زیارت رسول گرامی اسلام عازم مسجد النبی - ص - شدم.

اطراف حرم نبوی در چند سال گذشته، به نحو بسیار جالب و زیبایی، همسان با معماری مسجدالنбی - ص - توسعه یافته است. مساحت زیادی از اطراف مسجد سنگفرش گردیده و مسجدالنبی چونان نگینی در آن میان می درخشد.

مسجدالنبی تقریباً از یک ساعت و نیم قبل از اذان صبح باز و حدود ساعت ۱۰ شب بسته می‌شود. خانم‌ها از ساعت ۷ الی ۱۰ صبح و ۱ الی ۴ بعداز ظهر اجازه ورود به حرم را دارند و در دیگر ساعات شبانه روز معمولاً روبروی باب جبرائیل به صورت

می خورند. جایگاه مرا می بینند و کلامم را  
می شنوند و به سلام من پاسخ می گویند،  
گرچه من در ظاهر آن را نمی شنوم.» زائر با  
ارائه این پیام، اولین محصل زیارت را  
دریافت می کند و می فهمد که با مرده سخن  
نمی گوید بلکه احساس می کند که هم اکنون  
در حضرت رسول خدا ایستاده و در حالی که  
آن حضرت شاهد بر گفتار و اعمال اوست،

سخن آغاز می کند و می گوید:

ای گرامی پیامبر، شهادت می دهم  
که فرستاده خداوندی، و گواهی می دهم که  
رسالت خود را نیکو انجام دادی. پیامهای  
الهی را به مردم ابلاغ نمودی و پیروان  
خویش را به خیر و خوبی سفارش کردم.

در راه خدا جهاد کردی و خدا را  
پرستیدی و به یقین دست یافته. شهادت  
می دهم که نسبت به مؤمنان رؤوف و  
مهربانی و نسبت به کافران سخت و نفوذ نا  
پذیری.

سپس در حالی که دست بر دیوار  
حجره شریف نهاده می گوید:

ای رسول خدا، اگر توفیق حضور در  
حضرت در دوران حیات پر بارت را نیافتم،  
هم اکنون پس از رحلت به دیدارت آمده‌ام،  
با این اعتقاد که احترام و حرمت شما را پس  
از مرگ، همانند احترام و حرمتان در دوران

بر این، اگر آن حضرت خود دعوت نامه  
برای ما نمی فرستاد و اجازه ورود به این  
سرزمین مقدس را نمی داد، کی توان آمدن  
به این دیار را می یافتم؟! این توفیق که هم  
اکنون ما را رفیق گردیده، خود حکایتگر آن  
است که حضرت رسول ما را خواسته است.  
وارد مسجد شدم، فضای معنوی و  
روحانی خاصی دارد، مسلمانان از همه  
نژادها، رنگ‌ها و ملیت‌ها بالباس‌های  
مختلف، مشغول زیارت و عبادتند. در گرعت  
نماز تحيیت مسجد خواندم، سپس با کمال  
ادب، خواندن زیارت را آغاز کردم؛ توجه به  
مفاهیم و مضامین زیارت نامه‌ها، راههای  
جدیدی را برای سیر و سلوک الی الله به  
روی انسان می گشاید.

زائر مدینه، با پیامبر - ص -  
حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. ابتدا خدا  
را شکر می گزارد که توفیق این زیارت را  
نصیبیش کرده است، سپس از پیامبر - ص -  
سپاسگزاری می کند که وسیله رهایی او را از  
ضلالت و شرک و گمراهی فراهم آورده  
است؛ «الحمد لله الذي استنقذنا بك من  
الشرك والضلالة». سپس به واقعیتی بس  
بزرگ اشاره کرده می گوید: «بار خدایا!  
می دانم که فرستاده و رسول تو و جانشینان  
آن حضرت زنده‌اند و نزد توروزی

عمیقی ندارند، از دستیابی به این فیض  
عظیم محروم می‌مانند و تنها ایستادن کنار  
قبور ائمه، دخیل بستان به پنجره‌ها و  
گهگاهی نیز اشکی بر گونه ریختن را زیارت  
تصوّر می‌کنند و دیگر هیچ!

از این رو به زائران عزیز توصیه می‌شود  
که از فرصت‌های استفاده کرده، پیامبر-ص-ائمه  
مظلوم بقیع - علیهم السلام - را با شناخت و  
عرفان زیارت کنند تا نتیجه زیارت را در روح  
و جان خود احساس نمایند.

حیاتتان می‌دانم و شما را در اعتراف به این  
باور، در پیشگاه خداوند گواه می‌گیرم. آن گاه  
دستی به صورت کشیده می‌گوید:

بار خدایا، این زیارت را، بیعت  
مرضیه و پیمان تأکید شده و محکم من تزد  
خود قرار ده و تا زندگام مرا بر این بیعت  
پایدار بدار تا با توجه به تمامی شرایط و  
حدود و حقوق و احکام به آن عمل کنم و بر  
پاییندی این بیعت بمیرم...»

در فرازی دیگر با پیشوایان، پیمانی  
صریح امضا می‌کند و می‌گوید:

من آن چه را که شما حق بدانید حق  
می‌دانم و آنچه را شما باطل بدانید باطل  
می‌دانم، در سازشم با آن که شما صلح  
نموده‌اید و در جنگم با آن کس که شما با او  
در جنگید. در پایان از خداوند طلب مغفرت  
نموده، رحمت و توفیق الهی را آرزو می‌کند.  
طبعی است وقتی زائر با چنین

اعتقادی، با پیامبر - ص - و پیشوایان دینی  
خود پیمان می‌بندد و از محضر آنان بیرون  
می‌آید، تحولی عظیم در روح و جانش پدید  
آمده، زمینه را برای دوری از گناه و نافرمانی  
خداوند فراهم می‌سازد. و حقیقت و روح  
جان زیارت نیز همین است.

متأسفانه آنان که از زیارت و امامان  
معصوم - علیهم السلام - درک صحیح و

## ● پی نوشتها:

- ۱- حج: ۲۷
- ۲- کافی، ج، ۲، ص، ۱۷۴، ح، ۱۶
- ۳- من لا يحضره الفقيه، ج، ۲، ص، ۱۸۰، ح، ۸۰۵
- ۴- تهذیب ج، ۵، ص، ۴۶۳، ح، ۱۶۱۳
- ۵- توبه: ۱۱۱
- ۶- بقره: ۲۴۵
- ۷- مسعودی، مروج الذهب، ج، ۲، ص، ۱۵۵؛ وفاء الوفاء، ج، ۱، ص، ۱۵۶
- ۸- این اشعار را یکی از مذاخان اهل بیت، شب جمعه به هنگام برگزاری دعای کمیل و در کتاب سقیع برای زائران بالحن جانسوز می‌خواند و مردم می‌گریستند.
- ۹- نساء: ۶۴
- ۱۰- الغدیر، ج، ۵، ص، ۱۴۷